

اصطلاحات اضافه شده به فصل سوم هندیوک (دکتر مهاجر نیا)

مربوط به آپدیت اسفند ۱۴۰۳

تبدیل به بلاء شدن Become a scourge

•Stress has become a scourge afflicting not only busy executives, but also teenagers.

استرس به آفتی تبدیل شده است که نه تنها مدیران پرمشغله، بلکه نوجوانان را نیز گرفتار می کند.

متن سوم صبح پنجشنبه ۱۴۰۱-۱۴۰۲

قابل شنیدن شدن Become audible

•Some small clicking, bubbling, or rattling sounds become audible in the lungs when a person inhales.

برخی صداهای ضعیف کلیک مانند، قل قل کردن یا تق تق در ریه ها هنگامی که فرد نفس می کشد قابل شنیدن است.

تست لغت ۳۸ صبح پنجشنبه ۱۴۰۱-۱۴۰۲

Become clogged مسدود یا لخته شدن

•High levels of HDLs indicate efficient removal of arterial plaques, whereas high levels of LDLs suggest that arteries will become clogged.

سطوح بالای HDLs نشان دهنده حذف موثر پلاک های شریانی است، در حالی که سطوح بالای LDLs نشان می دهد که شریان ها مسدود خواهند شد.

متن اول صبح پنجشنبه ۱۴۰۱-۱۴۰۲

Break out in دچار مشکل پوستی شدن

•If you are under stress, you might break out in hives.

اگر تحت استرس هستید، ممکن است دچار کهیر شوید.

Come/Go down with دچار شدن به

•I think I'm coming down with a cold, so I might need to stay home tomorrow.

فکر می کنم دارم دچار سرما خوردگی می شوم، پس شاید لازم باشد فردا در خانه بمانم.

Cough up با سرفه بالا آوردن

•She coughed up a lot of phlegm.

او خلط زیادی با سرفه بالا آورد.

Ebb (away)

تضعیف شدن، رو به افول رفتن

•He could feel his strength ebbing (away).

او می‌توانست احساس کند که قدرتش در حال افول است.

Get through (remission) بهبود و ریکاوری

•He coughed and sneezed a lot, had no appetite, and took his medicine, but finally, he got through it.

او خیلی سرفه و عطسه می‌کرد و اشتها نداشت و داروهایش را مصرف می‌کرد، اما در نهایت بهبود یافت.

Get over

غلبه کردن

•It took the inflected ICU nurse several weeks to get over the covid-19 disease.

چند هفته طول کشید تا پرستار ICU آلوده شده، بر بیماری کووید-۱۹ غلبه کند.

تست لغت عصر پنج‌شنبه ۱۴۰۳ سوال ۶

Keel over (collapse)

زمین خوردن، بیهوش شدن، سرنگون شدن

•Her husband just keeled over with a heart attack.

شوهرش فقط با یک حمله قلبی به زمین خورد.

Pass on (transmit an illness or virus) منتقل کردن

- I hope Jack doesn't pass on his cold to the group.
امیدوارم جک سرماخوردگی خود را به گروه منتقل نکند.

Pass away (perish) فوت کردن

- After she passed away, the doctors wanted to do an autopsy.
پس از اینکه او درگذشت، پزشکان خواستند یک کالبد شکافی انجام دهند.

Pass blood خون دفع کردن

- If the bladder become infected, you may develop a fever and start to pass blood in urine.
اگر مثانه عفونی شود، ممکن است دچار تب بشوید و شروع به دفع خون از ادرار کنید.

Pick up دچار شدن، کسب کردن

- He must have picked up stomach infection by eating in filthy restaurants.
به خاطر غذا خوردن در رستوران‌های کثیف او بایستی به عفونت معده دچار شده باشد.

تست لغت صبح جمعه ۹۸-۹۹

Put a damper on something

خراب کردن ، کنسل کردن

- His bad mood put a damper on the celebration.

اخلاق بد او باعث شد که جشن خراب شود.

Pull through (recover)

بهبود یافتن، پشت سر گذاشتن

- It was a rough surgery, but she pulled through and is on the mend.

این یک عمل جراحی سخت بود، اما او آن را پشت سر گذاشت و رو به بهبودی است.

Shake off (Get rid of)

خلاص شدن از یک بیماری یا مشکل

- After two weeks of rest, she finally shook off that nasty cold.

بعد از دو هفته استراحت، بالاخره از آن سرماخوردگی بد خلاص شد.

Take a break

موقتاً دست از اقدامی برداشتن ، استراحت کردن

- If you are in partial remission it may mean you can take a break from treatment as long as the cancer doesn't begin to grow again.

اگر در بهبودی نسبی هستید، ممکن است به این معنی باشد که تا زمانی که سرطان دوباره شروع به رشد نکند، می توانید موقتاً دست از درمان بردارید (استراحت کنید).

•They warned that 41 million people across 43 countries were teetering on the brink of famine.

آنها هشدار دادند که ۴۱ میلیون نفر در ۴۳ کشور در آستانه قحطی هستند.

متن دوم پنجشنبه صبح ۱۴۰۱-۱۴۰۲

•This time of crisis must also be used as a chance to invest in policies and institutions that can turn the tide on inequality.

این دوران بحران نیز باید به عنوان فرصتی برای سرمایه گذاری در سیاست ها و نهادهایی استفاده شود که می توانند (مسیر) نابرابری را تغییر دهند.

متن ۳ عصر جمعه ۱۴۰۲-۱۴۰۱

•Her drowsiness wore off by midday, and she felt more alert.

خواب‌آلودگی او تا ظهر از بین رفت و او احساس هوشیاری بیشتری کرد.

آلدرمن : (سفر ۱۴۰۳)